دیار

زعفران جایگزینی مناسب برای پسته

با توجه به محدودیت منابع آبی در استان کرمان، با تغییر الگوی کشت، محصول زعفران علاوه بر ایجاد درآمد، اشتغالزایی و صادرات، جایگزین مناسبی برای محصول پسته است و از این رو کشاورزان کویر از این مهم به خوبی استقبال کرده‌اند.

به گزارش ایسنا، در استان کرمان شهرستان‌های زرند، رابر، راور، شهربابک، بردسیر، بافت، سیرجان، بم، رفسنجان و کرمان مستعد کشت زعفران هستند و در این میان زرند با داشتن بیشترین سطح کشت رتبه نخست تولید زعفران کرمان را دارد.

«سعیدی»، رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان در این باره می‌گوید: ۵۰۰ هکتار از اراضی زراعی استان زیر کشت زعفران قرار دارد و مقرر است ۶۰۵ هکتار دیگر هم به این سطح اضافه شود.

وی می‌افزاید: باتوجه به مشکل کم آبی در استان و نیاز به بازنگری الگوی کشت باید کشت محصولات با مصرف آب کمتر ترویج داده شود که برای این کار زعفران به‌علت نیاز کمتر به آب و مناسب بودن آب و هوای استان برای کشت این محصول، مناسب است.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان با بیان این که تاکنون در بیش از ۱۰ شهرستانِ استان، نسبت به کشت زعفران اقدام شده است، ادامه می‌دهد: سال زراعی امسال از مهر ۹۲ آغاز شده است و طی این سال، ۲۴۶۰ کیلوگرم زعفران به ارزش ۱۲۳ میلیارد ریال استحصال و به بازار مصرف ارایه شده است.

سعیدی ایجاد اشتغال در هر دوره کشت را ۲۰ نفر به‌ازای هر هکتار اعلام می‌کند و می‌افزاید: زعفران با توجه به این که نیاز آبی کمی دارد، می‌تواند جایگزین پسته کرمان باشد و درآمد خوبی هم دارد.

وی می‌گوید: مقرر است ۶۰۵ هکتار دیگر به سطح زیر کشت زعفران استان افزوده شود که به این منظور ۳۶۳۰ تن پیاز زعفران با اعتبار ۱۲۱ هزار میلیون ریال مورد نیاز است.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان ادامه می‌دهد: هماهنگی‌های لازم با بخش خصوصی در شهرهایی که قادر به تأمین پیاز مورد نیاز نیستند، انجام شده است.

سعیدی ادامه می‌دهد: هدف ما از کشت زعفران در استان، ترویج و توسعه این کشت با توجه به کم‌آبی است، ضمن آن که ایجاد اشتغال به صورت مستقیم و غیرمستقیم و ایجاد ارزآوری و آشنایی و توسعه فرهنگ مصرف زعفران در کشور از جمله اهداف است. وی می‌افزاید: کیفیت زعفران تولیدی استان کرمان مناسب است و با فرهنگ‌سازی و آشنایی کشاورزان با مزایا و مراحل کشت این گل سلامتی، می‌توان زمینه کشت و توسعه آن را در استان افزایش داد. رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان با اشاره بر مشکلات پیش‌رو در این زمینه می‌گوید: برداشت سنتی این محصول با توجه به نیاز تعداد زیادی کارگر هزینه‌بر است، علاوه بر آن مشکل بسته‌بندی و بازاریابی جهانی و قاچاق این کالا به کشورهای همسایه سود اقتصادی این گیاه دارویی را تحت‌تأثیر قرار داده است. سعیدی ادامه می‌دهد: اقداماتی از جمله تسهیلات زودبازده برای احداث مزارع زعفران، کلاس‌های آموزشی در زمینه نحوه صحیح و بهداشتی در کشت و برداشت این محصول، اعتبارات ویژه برای خرید دستگاه‌های خشک‌کن کاملا مکانیزه در سطح استان انجام شده است. و اما مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان نیز از افزایش دو برابری سطح زیر کشت زعفران در استان کرمان خبر می‌دهد.

«محمودی» می‌افزاید: با توجه به نیاز کم زعفران به آب، کرمان مستعد کشت زعفران است و چون پیاز زعفران آب کمی نیاز دارد، کشاورزان در اقصی نقاط استان از کشت این محصول استقبال چشمگیری داشتند طوری که، سطح زیر کشت زعفران در استان امسال دو برابر افزایش می‌یابد.

وی با بیان این که سطح زیر کشت زعفران در استان کرمان ۵۰۰ هکتار است، می‌گوید: از این میزان ۱۶۰ هکتار در شهرستان زرند، ۱۲۰ هکتار در شهرستان کوهبنان، ۷۰ هکتار در شهرستان بافت، ۵۰ هکتار در شهرستان شهربابک، ۳۵ هکتار در شهرستان سیرجان، ۲۰ هکتار در کرمان، ۱۴ هکتار در بردسیر، ۵ هکتار در راور، ۱۴ هکتار در رابر و ۱۲ هکتار در شهرستان رفسنجان کشت شده است.

مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان می‌گوید: عملکرد محصول زعفران در هر هکتار ۱۵/۶ کیلوگرم است و هر هکتار کشت زعفران باعث اشتغالزایی حدود ۲۰۰ نفر در روز طی یک دوره برداشت می‌شود. مدیر ترویج جهاد کشاورزی کرمان نیز توجه ویژه به کاشت زعفران را باعث تحول اقتصادی استان می‌داند.

«رستگاری» می‌گوید: کشاورزان کرمانی برای کاشت زعفران استقبال خوبی کردند طوری که هم‌اکنون با توجه به شرایط مساعد اقلیمی و آب و هوایی برخی شهرستان‌های کرمان، زمینه کاشت و تولید زعفران در سطح وسیع در استان فراهم شده است و گیاه با ارزش زعفران که همان طلای سرخ نامیده می‌شود در کنار محصولاتی چون پسته، گردو و زیره اقتصاد کشاورزی استان کرمان را دگرگون می‌کند.

سفری بین استانی با دستفروشان مترو

برای یک لقمه نان از تهران تا گلشهر

نرگس بدیعیان | ناگهان در مترو باز می‌شود و فروشنده‌ها همراه مسافرها وارد می‌شوند و کیسه‌ها و کیف‌های بزرگ و کوچک‌شان را باز می‌کنند. انگار هرکه زودتر شروع کند و صدایش رساتر باشد، موفق‌تر است. یکی مسواک و آدامس‌هایش را نشان می‌دهد، دیگری باتری و خودکار و آن عقب‌تری جالباسی‌های آویزی‌اش را به دستگیره‌های بالایی مترو آویزان می‌کند و داد می‌زند که حراج کردم فقط همین امروز. جالب اینجاست که قیمت اجناس داخل مترو بین هزار تا ۱۰ هزار تومان است. انگار وارد صحنه تئاتری شده‌ای که مسافران حکم تماشاچی را دارند و فروشنده‌ها بازیگرانش هستند. برخی از فروشنده‌ها ماسک به صورت زده‌اند و در ذهنم این موضوع مطرح می‌شود که شاید ماسک برای این باشد که کسی از اقوامش او رانشناسد.

هرچه که هست موضوع از این قرار است که همه برای رفع احتیاج این جا جمع شده‌اند و به این شغل پرمشغله می‌پردازند شغلی که در آن امنیتی ندارند و مدام باید از دست ماموران فرار کنند. در همین افکار بودم که یکی از آنها که خانم میانسالی بود کنارم نشست و به باز کردن بساطش پرداخت. وقت را غنیمت شمردم و سر صحبت را با او باز کردم که چرا به این کار می‌پردازد؟ سریع جواب داد دختر جان آخر چه چیزی بالاتر از احتیاج آدم را مجبور می‌کند که به این کار بپردازد و سریع خودش اصلاح کرد که البته خیلی از دختران جوان نیز برای استقلال مالی به این کار می‌پردازند چون در حال حاضر استخدام سخت شده و به همین راحتی نمی‌توانند کاری برای خود جور کنند. اما بیشتر این افراد، کسانی هستند که احتیاج زیادی دارند و به این کار مجبور می‌شوند. مثلا خودم، همه‌چیز داشتم خانه، ماشین و... شوهرم راننده کامیون بود. همه به زندگی ما حسرت می‌خوردند تا این که یک شب شوهرم تصادف کرد. ماشین سوخت و خودش نیز از پا فلج شد و دیگر نتوانست کار کند، کل زندگی‌مان برای خسارت رفت و حال هیچ ندارم و به زور خرج بچه‌ها و شوهرم را در می‌آورم. شوهرم در خانه این آویز لباس‌ها را درست می‌کند و من اینجا می‌فروشم. فقط به عشق بچه‌ها و شوهرم اینجا و با این شرایط کار می‌کنم. در حالی که خیلی سخت است. این را گفت و بلند شد و شروع کرد به داد زدن که آویز لباس ۳۰۰۰ تومان، بسیار محکم، در صورتی که خراب شد با این شماره تماس بگیرید پشیمان نمی‌شوید. آن یکی، آن طرف‌تر خانم محجبه‌ای بود از همه ساکت‌تر مشغول فروش جوراب بود انگار تازه کار بود از جا بلند شدم و به کنارش رفتم بعداز گذشت زمانی طولانی، به او گفتم این‌طور که شما اینجا ایستادی کسی صدایت را نمی‌شنود و نمی‌توانی فروش خوبی داشته باشی، ناگهان اشک در چشمانش حلقه زد و گفت ای کاش هیچ‌گاه مجبور به این کار نمی‌شدم. اصلا نمی‌دانست باید چه کار کند دیگران را نگاه می‌کرد تا به تقلید از آنها شروع به فروش کالاهایش کند.

ناگهان بلندگوی مترو به مسافران هشدار داد که برای حفظ آرامش خودشان هم که شده از دستفروشان خرید نکنند. همه فروشنده‌ها ساکت شدند از ترس آن که ماموری برای سرک کشیدن بیاید، وسایلشان را جمع کردند، گوشه‌ای ایستادند خیلی‌هایشان در ایستگاه بعد پیاده شدند و گروه جدیدی سوار و شروع به فروش وسایل جدیدشان کردند.

هرازگاهی یکی از مسافران با دست اشاره می‌کرد و فروشنده به سمتش می‌رفت تا کالای مورد نظرشان را به آنها نشان دهد. جالب اینجاست که هر کدام به شیوه خاص خودشان بازاریابی می‌کنند و بعضی از آنها آنچنان حرفه‌ای عمل می‌کردند که احساس می‌کردم برای این کار، دوره تخصصی گذرانده‌اند. برخی از آنها با آه و ناله و گفتن از مشکلاتشان سعی بر جلب ترحم و فروش کالاهایشان دارند و دیگری با تعریف و تمجید شروع به بازارگرمی و طنز را نیز چاشنی کارش می‌کند.

کم‌کم به ایستگاه پانزده خرداد نزدیک می‌شویم، قبل از باز شدن در، سیل زیاد مسافران که همه دست‌پر، منتظر ایستاده‌اند، قابل مشاهده است. در باز می‌شود و همه با فشار خود را به زور وارد واگن مترو می‌کنند. افرادی که در این ایستگاه سوار شدند چهره متفاوت‌تری دارند. همه از بازار آمده‌اند و کم و بیش خرید نیز کرده‌اند.

خریدشان را به هم نشان می‌دهند و این صحنه من را یاد گفته روانشناسان می‌اندازد که خرید روحیه انسان را شادمی‌کند.

در این ایستگاه دستفروش کم است یکی از خانم‌ها در جواب بازارگرمی یکی از دستفروشان به او می‌گوید که تازه از بازار آمده‌ایم و دیگر پولی برای خرید نداریم و انگار تجربه کاری‌شان به آنها این را فهمانده که در این ایستگاه وقت خود را تلف می‌کنند. یکی از دستفروشان به اسم مریم کنارم ایستاده و به نایلون خرید یکی از مسافران زل زده است. از او پرسیدم شما هم به بازار می‌روید و خرید می‌کنید در جواب من می‌گوید: من هر دو سه روز در میان به مولوی می‌روم و جنس‌هایم را از بازار آن‌جا تهیه می‌کنم. تا ارزان‌تر خرید کنم و بتوانم سود بیشتری داشته باشم هر چند من جنس‌هایم را ارزان‌تر می‌دهم تا زودتر تمام شود. با زیاد شدن تعداد فروشنده‌ها در واگن‌ها، رقابت زیاد شده است و همه سعی می‌کنند بازار را به دست آورند. او درباره درآمدش می‌گوید: این همه بدوبدو به درآمدش نمی‌ارزد. از صبح تا شب باید این همه بار را با خودت جابه‌جا کنی و از ترس ماموران را از این واگن به آن واگن پناه بیاوری و خیلی‌وقت‌ها ماموران مترو ما را می‌گیرند و وقتی جنس‌هایمان را می‌بینند ضبط می‌کنند و جالب اینجاست که فرقی نمی‌کند فروشنده زن باشی یا مرد در هر صورت با تو یک برخورد می‌شود. جنس‌هایت را به یکی از مناطق چهارگانه شهرداری که مخصوص این امر است تحویل می‌دهند و ما برای تحویل گرفتن جنس‌هایمان باید متعهد شویم که دیگر در مترو دستفروشی نخواهیم کرد. وابسته به ایستگاهی که در آن جنس‌هایمان ضبط می‌شود سر و کارمان به منطقه شهرداری نزدیک به آن ایستگاه می‌افتد. در حال حاضر شانس آورده‌ایم که شهرداری‌ها سیستم ثبت جرایم ندارند و الا همه فروشنده‌ها تا الان جمع شده بودند. اما در کنار تمام این مشکلات عده زیادی از بچه‌ها بودند که بعد از یک یا دو سال دستفروشی در مترو الان در گلشهر کرج مغازه‌دار شده‌اند و خودشان به صورت عمده‌فروش مشغول کارهستند.

مترو به سمت ایستگاه صادقیه در حرکت است به ایستگاه آزادی که می‌رسد ناگهان ماموری وارد واگن می‌شود. مریم به سرعت وسایلش را جمع می‌کند و از دید مامور مخفی می‌شود. یکی دیگر از فروشنده‌ها وسایلش را زیر صندلی هل می‌دهد و خودش روبه‌روی صندلی می‌ایستد. مامور با دقت نگاه می‌کند و سریع رد می‌شود اما متاسفانه نگاه تیزبینش یک دختر بچه ۷-۸ ساله‌ای که مشغول فروش کلیپس و شانه و تل است را شکار می‌کند و دستش را می‌گیرد و از واگن خارج می‌شوند؛ دخترک در حال التماس، که تورو خدا مرا رها کن، مادرم مریض است اما مامور بی‌اعتنا او را به همراه خود می‌کشد. ناگهان یک باره غم زیادی بر دلم سنگینی کرد، در فکر فرو رفتم که چه چیز واقعا این دختربچه کم‌سن و سال را به اینجا کشانده و به این کار پرمشغله مجبور کرده است، شاید واقعا راست می‌گفت و مجبور بود به خاطر بیماری مادرش به این کار مشغول شود که شاید از کارهای دیگر برای کودکی به سن وسال او کم‌خطرتر باشد.

صدای گویای مترو مرا به خودم می‌آورد که می‌گوید ایستگاه صادقیه و از مسافران می‌خواهد کسانی که قصد ادامه مسیر به سمت ایستگاه گلشهر را دارند با توجه به علایم راهنمایی مسیر خود را به درستی مشخص کنند. مریم را در لابه‌لای مسافران می‌بینم که مشغول فروش دستمال‌های جادویی است نمی‌دانم چرا اما ته دلم برای لحظه‌ای دعا کردم که فروشش خوب باشد.

به مترو صادقیه رسیدم از این ایستگاه به بعد تازه یک سفر دیگر شروع می‌شود و ۴۵ دقیقه دیگر باید در راه بود تا به استان نوپای البرز رسید. قطارهای درون‌شهری پشت سر هم مسافران را پیاده می‌کنند اما قطار تهران-کرج هنوز مسافران را پشت در معطل نگه داشته، عده‌ای از مسافران دقیقا در محلی که در قطار قبلی بوده ایستاده‌اند و تاکید هم دارند که درست در همان مکان بایستند. قطار از راه می‌رسد اما متاسفانه، در قطار جلوتر باز می‌شود و آن عده که در مکان جلوتری منتظر بودند شروع می‌کنند به بدو بی‌راه گفتن و هل دادن تا خود را به محل باز شدن در قطار مترو برسانند. مترو تند و راست یعنی در ایستگاه‌های بین راه نمی‌ایستد و همین باعث شده که تجمع افراد چندین برابر شود و خلاصه همه به زور سوار می‌شوند و سریع خود را به صندلی‌ها می‌رسانند و برایشان اصلا مهم نیست که سر راه بچه، سالمند یا زن حامله است. همه را هل می‌دهند تا بتوانند یک صندلی خالی پیدا کنند. یک زن میانسال خوش لباس نیز در این میان شروع به غر زدن می‌کند که مسئولان باید به فکر مردم باشند و تعداد قطارها را زیاد کنند.

عده‌ای از دستفروشان سریع به داخل قطار مترو می‌آیند و آب معدنی که بیرون ۵۰۰ تومان است را ۱۰۰۰ می‌فروشند و مسافران نیز که تشنه‌اند به اجبار می‌خرند و عده‌ای نیز غر می‌زنند. دستفروشان سریع از قطار مترو خارج می‌شوند آنها، آن دسته‌ای هستند که با قطار عادی می‌روند تا بتوانند در ایستگاه‌های مختلف پیاده شوند و شانس خود را برای فروش بیشتر در ایستگاه‌های دیگر امتحان کنند. در قطار، بسته می‌شود و عده زیادتری از دستفروشان داخل مترو باقی می‌مانند و تعدادشان آن‌قدر زیاد است که برای لحظه‌ای آدم گیج می‌شود که هر کدام چه چیزی را تبلیغ می‌کنند و در این میان قدرت تشخیص سخت می‌شود.

یکی از خانم‌هایی که کنارم نشسته است یکی از فروشنده‌ها را صدا کرد و شروع به انتخاب و خرید کرد، بعد از تمام شدن خریدش از او پرسیدم آیا از خرید داخل مترو راضی است؟ او در جواب من گفت که بسیاری از چیزهایی که در مترو می‌فروشند خیلی شیک و ارزان‌قیمت‌اند و برای خریدشان با همین قیمت باید تا بازار تهران بروی و وقت زیادی صرف کنی تا شاید پیدا کنی شاید هم نتوانی! اما هنگام رفت و آمد و بدون آن که وقتت گرفته شود می‌توانی خرید کنی، به نظر او مترو شلوغ‌تر می‌شود اما به شلوغی‌اش می‌ارزد.

ومسئولان می‌گویند مترو جای این کارها نیست و ما از هر امکاناتی سوءاستفاده می‌کنیم. این مترو در اروپا و سایر کشورهای دیگر وجود دارد اما در این کشورها چنین معضلی وجودندارد. آیا در کشور ما همه استانداردهای جهانی رعایت می‌شود. اگر منطقی به این موضوع فکر کنی در صورتی که مشکل بیکاری در کشور ما حل شود، دیگر ما شاهد این دستفروش‌ها نخواهیم بود. تمام این فروشنده‌ها به خاطر مشکلاتی که دارند مجبور به این کار پر مشغله شده‌اند. من فقط گوش می‌دادم که یک نفر دیگر در ادامه حرف‌های آن خانم گفت: خود من شاغل هستم و بیشتر مواقع، زمان کم می‌آورم و بیشتر خریدهایم را دیگران انجام می‌دهند اما حضور این فروشنده‌ها باعث شده تا خودم بسیاری از خریدهایم را انجام دهم و مزاحم دیگران نشوم برای همین هر ماه پولی را برای خرید در مترو کنار می‌گذارم و چیزهای مورد نیازم را خرید می‌کنم و تازه از وسایلی که می‌خرم راضی نیز هستم. از او پرسیدم به نظر شما این کار قانونی است؟ می‌گوید: زمانی می‌شود کاری را قانونی خواند که در کنارش کارهای قانونی برای این زن‌ها وجود داشته باشد. خانم مسن تری که کنار من نشسته بود در ادامه حرف‌های ما گفت: شاید از نظر مسافران، شلوغ کردن مترو تنها عیبی باشد که این دستفروشان ایجاد کردند و تنها ناراضی، ماموران مترو هستند که علاقه شدیدی به جلوگیری از کارهای غیرقانونی دارند.

بحثشان تقریبا تمام شد و من در فکر بودم. فکر این موضوع که عده‌ای برای رسیدن به محل کار خود دو ساعت را صبح در راه هستند و برای باز گشت نیز همین دوساعت راطی می‌کنند. این مسیر آدم را خسته می‌کند چه برسد به این که هر روز بساط کارت را در شهری دیگر پهن کنی و بساط زندگی‌ات در جایی دیگر. و در این میان چیزی که تو را وادار می‌کند تا هر روز این مسیر را تکرار کنی یا مانند من عشق به کار است یا مانند عده زیادشان، همان روزگاری است که به کام آنها نچرخیده و مجبورت کرده کمک خرج باشی تا این زندگی کمی به قاعده نزدیک شود. به ایستگاه آخر رسیدیم همه در حال پیاده شدن هستند. عده‌ای عجله دارند و عده‌ای با آرامش خاصی پیاده می‌شوند. اما عده‌ای دستفروش می‌بینم که پیاده نمی‌شوند تا قطار دور بزند. قیافه‌هایشان مملو از خستگی، اما پر از امید به نظر می‌رسد.

دستفروشی معضل اجتماعی نیست

برای بررسی علت ایجاد این شغل‌های کاذب گفت‌وگویی با دکتر سعید معیدفر، عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران داشتم. در این گفت‌وگو این استاد دانشگاه در جواب این سوال که آیا دستفروشی در مترو را به‌عنوان یک معضل اجتماعی می‌داند یا نه گفت: درواقع دستفروشی در مترو یک معضل اجتماعی نیست و به خاطر شرایط بد اقتصادی حاکم بر جامعه به وجود آمده است.

وی در ادامه با بیان این موضوع که اکثر دستفروشان مترو سرپرست خانوار هستند افزود: غالب دستفروشان مترو خانم هستند و بنا به شرایط امنیتی مترو که نسبت به خیابان در سطح بالاتری است این محیط را به‌عنوان محل کار انتخاب می‌کنند و این حاکی از شرایط سخت کار در جامعه ما است.

دکتر معید فر، با اشاره به آمار بالای بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی گفت: به خاطر رکود اقتصادی کشور درحال حاضر نمی‌توان به‌طور اصولی جلوی این گونه شغل‌ها را گرفت، چرا که برای ممانعت در برابر آنها باید بتوان آنها را به بازار کار معرفی کرد و شغلی درنظر گرفته شود اما درحال حاضر متاسفانه چنین امکانی در کشور ما وجود ندارد.

این جامعه‌شناس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران افزود: اگر جلوی این گونه مشاغل خودرو، بدون برنامه‌ریزی اصولی گرفته شود جامعه دچار آسیب‌های بیشتری خواهد شد چرا که عده‌ای از آنها خانواده‌ای ندارند و خود هزینه زندگی خود را به دوش می‌کشند و با این کار آنها دچار آسیب‌های اجتماعی می‌شوند.

وی با اشاره به این موضوع که این گونه شغل‌ها آسیب‌هایی نیز به همراه دارد، ادامه داد: اگر به سراغ مردمی که روزانه در مترو تردد می‌کنند بروید، درصد کمی از این وضعیت موجود، ناراضی هستند و آن عده نیز چون خود با شرایط فعلی جامعه به‌طور کامل آشنا هستند آنها را تحمل می‌کنند و با این وضعیت کنار آمده‌اند.

دکتر معیدفر، با بیان این که با رکود ایجاد شده در جامعه، ما خود، مسبب ایجاد این‌طور مشکلات برای مردم شده‌ایم، گفت: این شغل ایجاد شده عملا به صورت دایمی نخواهد بود بلکه با بهبود شرایط اقتصادی و کار در جامعه شاهد حذف این گونه مشاغل از جامعه خواهیم بود. تنها راه‌حل اساسی افزایش ظرفیت‌های کار و تولید در جامعه است.

در ادامه همین بحث گفت‌وگویی با دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت در مورد اصلی‌ترین علت ایجاد چنین شغل‌هایی داشتم، وی بیان کرد: شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل وجود مشاغل کاذبی نظیر دست‌فروشی و تکدی‌گری حمایت‌های ضعیف اجتماعی است.

راضیه بدیعیان گفت: وقتی از حمایت‌های اجتماعی صحبت به میان می‌آید همه اذهان به سمت حمایت‌های دولتی و بیمه‌ای سوق داده می‌شود درحالی که حمایت از اقشار ضعیف و در معرض خطر یک وظیفه انسانی و دینی است. در مکتب متعالی اسلام ۱۴۰۰ سال پیش چنین حمایت‌هایی به‌عنوان یک تکلیف برای مردم و حکومت اسلامی تعریف شده است. پرداخت خمس و زکات که یک وظیفه شرعی است هر فرد مسلمان را ملزم می‌سازد تا در اموال خویش سهمی برای نیازمندان قرار دهد.

وی در ادامه افزود: اگر هر یک از ما به این وظیفه خود عمل کنیم و چنان که توصیه شده در درجه نخست در صورت وجود افراد نیازمند در بین اقوام و نزدیکان و همسایگان با پرداخت این وجوه شرعی به آنها نیازشان را مرتفع کنیم آیا باز هم کسی به علت فقر و بیماری به چنین مشاغلی رو می‌آورد. از طرفی یکی دیگر از توصیه‌های دیگر اسلامی احیای سنت قرض‌الحسنه است و احیای چنین سنتی به دور از قوانین دست‌وپا گیر بانکی در خانواده‌ها می‌تواند چتر حمایتی دیگری برای افراد نیازمند خانواده باشد.

خانه به خانه

واگذاری ۱۳ هزار و ۷۰۰ واحد مسکن مهر در شهر جدید پرند به متقاضیان

مینا فرجی | همزمان با بهره‌برداری از طرح‌ها و پروژه‌های مختلف در هفته دولت ۱۳۷۰۰ واحد مسکن مهر در شهر پرند به متقاضیان واگذار شد.

در این مراسم مهندس نریمان با تأکید بر این که به دنبال حل مشکلات مردم هستیم بیان داشت: با همکاری و مشارکت دستگاه‌های ذی‌ربط و بخش خصوصی درصدد جبران این کمبودها هستیم. وی ادامه داد: اکثر واحدهای مسکن مهر تا پایان امسال واگذار و باقیمانده واحدها در نیمه ۹۴ تحویل متقاضیان خواهد شد.

قائم‌مقام وزیر راه و شهرسازی هم در این مراسم ابراز داشت: به منظور تأمین خدمات زیر بنایی و رو بنایی مسکن مهرپرند ۲ کارگروه تشکیل و مقرر شد ۴ واحد آموزشی جدید در پرند تا اول مهر تحویل داده شود.

احمد مهرآبادی افزود: برای تکمیل واحدهای مسکن مهر کشور که به دلیل برخی خدمات همچون آب، برق یا گاز، نیمه کاره مانده‌اند، مبلغ ۵۶۰۰ میلیارد تومان اعتبار اختصاص داده شده است. گفتنی است شهر جدید پرند با داشتن بیش از ۹۵ هزار واحد مسکونی مهر به‌عنوان پایتخت مسکن مهر کشور شناخته می‌شود.

سالم‌ترین سبزی کشور در مازندران

رئیس سازمان جهاد کشاورزی مازندران گفت: سبزی مازندران، سالم‌ترین سبزی در کشور است. به گزارش ایسنا، دلاور حیدرپور در نشست خبری که به مناسبت هفته دولت در سازمان جهاد کشاورزی برگزار شد، اظهار کرد: سبزی در استان برخلاف دیگر استان‌ها که با آب فاضلاب آبیاری می‌شود عمدتا با آب باران و آب چاه آبیاری می‌شود.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی مازندران با اشاره به این که ۹۰ درصد محصولات تولیدی استان سالم است، تصریح کرد: سرانه مصرف سم در کشور از سایر کشورها کمتر است. ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن کود در کشور وجود دارد که در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرد. در برخی مواقع مشاهده می‌شود که کشاورزان بی‌رویه، کود مصرف می‌کنند که با این کار نباید به کشاورزی ظلم شود و محصولات کشاورزی ناسالمی در اختیار مصرف‌کننده قرار گیرد.

جوهر قند موجود در نان‌های لواش خطرناک‌تر از روغن پالم است

مدیرکل استاندارد گیلان گفت: موضوع استفاده از روغن پالم بزرگنمایی شده است.

به گزارش ایسنا، محمدعلی یوسفی در جمع خبرنگاران استان توضیح داد: وجود روغن پالم در برخی شیرهای تولیدی موجب نگرانی شهروندان شده است و امیدواریم این امر موجب نشود که مصرف شیر کنار گذاشته شود.

وی با اشاره به این که استفاده از جوهر قند در نان‌های لواش به مراتب خطرناک‌تر از روغن پالم برای سلامت مردم است، تصریح کرد: از جوهر قند برای سفید کردن لباس استفاده می‌شود و استفاده از آن برای کش دادن به خمیر نان کاری خطرناک است که به‌طور مستقیم سلامت مردم را به خطر می‌اندازد. یوسفی با بیان این که میزان مصرف برنج بین گیلانیان زیاد است، اضافه کرد: اگرچه برنج دارای مواد مغذی فراوانی است اما باید مراقب باشیم که به اندازه مصرف شود. همچنین وجود قارچ آفلاکتوسین در خشکبار خام از جمله مواردی است که مردم باید به آن توجه داشته باشند و فقط خشکباری که علامت استاندارد دارند استفاده کنند.

وی هشدار داد: از شکلات‌هایی استفاده نشود که بوی ماندگی داشته باشد. شکلات باید دارای بافت همگن و یکنواخت بوده و ترد و شکننده باشد. شکلات باید عاری از ماسیدگی سفیدرنگ مربوط به شکوفه چربی و خاکستری رنگ مربوط به شکوفه شکر باشد و هنگام خوردن در دهان نماسد.

فراخوان همکاری

نظر به گستردگی فعالیت‌های روزنامه شهروند و توجه ویژه مسئولان آن به وضعیت جای جای کشور، راه‌اندازی صفحه سرزمین با هدف پرداختن به مشکلات و معضلات مردم در استان‌ها در دستور کار قرار گرفت که در این مسیر پرداختن به اقوام مختلف نیز در سرلوحه کار قرار دارد. بر این اساس صفحه سرزمین پنجره‌ای است به سوی هر دیار و در این مسیر دست همکاری مسئولان، اساتید، کارشناسان، دانشجویان و اهل فن را به گرمی می‌فشاریم تا در جهت پر بارتر کردن آنچه پیش روی شما قرار دارد، بکوشیم.

sarzamin@shahrvand-newspaper.ir

سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۰۹۷